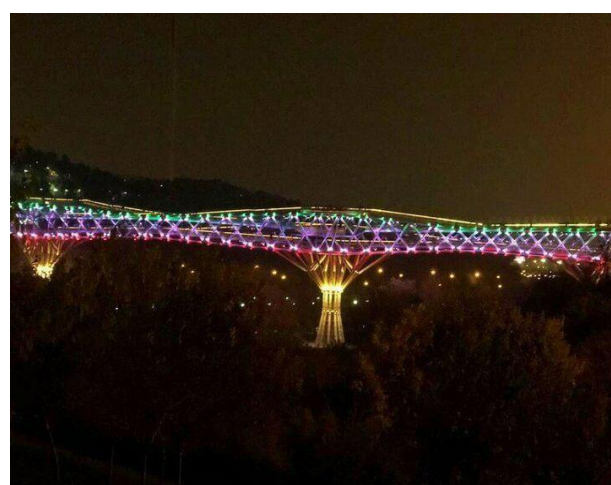




اخبار محیط زیست ایران

۹ فروردین روز جهانی زمین

خاموشی «پل طبیعت» و «گنبد مینا» در روز جهانی زمین



پل طبیعت» و آسمان‌نمای «گنبد مینا»، به مدت یک ساعت در تاریخ ۹ فروردین از ساعت ۲۱ تا ۲۲ چراغ‌های خود را خاموش خواهند کرد

رویداد جهانی «ساعت زمین» در راستای افزایش آگاهی در خصوص تغییرات اقلیمی و صرفه جویی در مصرف انرژی برگزار می‌شود.

پیام ما

بحران آب در ایران

از اعتراض کشاورزان اصفهان تا تعطیلی یزد

آتش زدن دو ایستگاه پمپاژ انتقال آب زاینده رود به استان یزد و تخریب خط لوله انتقال آب که به قطع آب شرب در مناطقی از شهر یزد و سایر بخش‌های این استان منجر شده است، دور تازه‌ای از تنش‌ها بر سر آب در ایران است.

اعتراضات کشاورزان اصفهان هم برای چندمین روز ادامه دارد و در فضای شبکه‌های اجتماعی به نوعی

جنگ آبی؛ و بگومگو را میان شهروندان سه استان اصفهان، یزد و چهارمحال بختیاری به راه انداخته است..

استاندار یزد به کاربران شبکه‌های اجتماعی هشدار داد و گفت که گروهی «با رو در رو قرار دادن یزدی‌ها و اصفهانی‌ها قصد سیاه‌نمایی دارند».

کارشناسان محیط‌زیست سال‌هاست در مورد خطر «ورشکستگی آبی» در ایران هشدار می‌دهند و هر نوع پروژه انتقال آب که با شرایط اقلیمی منطقه سازگار نباشد را درمانی موقتی خواندند.

بی بی سی

جدال در ایران؛ چطور آب زاینده رود به یزد منتقل شد؟

مهرزاد فتوحی

آتش زدن دو ایستگاه پمپاژ انتقال آب زاینده رود به استان یزد و تخریب خط لوله انتقال آب که به قطع آب شرب در مناطقی از شهر یزد و سایر بخش‌های این استان منجر شده است، دور تازه‌ای از تنش‌ها بر سر آب در ایران است.

اعتراضات کشاورزان اصفهان هم برای چندمین روز ادامه دارد و در فضای شبکه‌های اجتماعی به نوعی «جنگ آبی» و بگومگو را میان شهروندان سه استان اصفهان، یزد و چهارمحال بختیاری به راه انداخته است



قطع آب، یزد را تعطیل کرد

به گفته مدیرعامل آب منطقه‌ای یزد، حدود ۵۰ درصد آب شرب شهر یزد از طریق خط لوله انتقال آب تامین می‌شود و از ۱۲ شهرستان این استان، ۹ شهرستان از آب انتقالی استفاده می‌کنند.

عصر شنبه نهم فروردین ماه، گروهی از معترضان در منطقه شرق اصفهان، ایستگاه‌های پمپاژ شماره سه و چهار خط لوله انتقالی آب را تخریب و به آتش کشیدند.

حمله به خط لوله انتقال آب بارها سابقه دارد. مسئولان استان یزد وضعیت آب را در این استان قرمز اعلام کردند و مجبور به توزیع آب با تانکر شدند.

کاوه مدنی، اعتراضات کشاورزان را امری طبیعی می‌داند اما می‌گوید که میزان آب محدودی که به یزد منتقل می‌شود، نمی‌تواند عامل مشکلات زاینده‌رود باشد.

او افزود که «این یک رفتار قابل انتظار در حالت ورشکستگی آبی است چون هر کس به دنبال کاهش خطرات و خسارات مربوط به خودش است.



کاوه مدنی، زمانی که در ایران بود بارها هشدار داده بود که انتقال آب به زاینده‌رود و از زاینده‌رود به یزد باعث «حل مشکلات در کوتاه مدت و زیاد شدن مشکلات در دراز مدت» خواهد شد.



اعتراضات کشاورزان اصفهان هم برای چندمین روز ادامه دارد و در فضای شبکه‌های اجتماعی به نوعی «جنگ آبی» و بگومگو را میان شهروندان سه استان اصفهان، یزد و چهارمحال بختیاری به راه انداخته است.

استاندار یزد به کاربران شبکه‌های اجتماعی هشدار داد و گفت که گروهی «با رو در رو قرار دادن یزدی‌ها و اصفهانی‌ها قصد سیاه‌نمایی دارند.

کارشناسان محیط‌زیست سال‌هاست در مورد خطر «ورشکستگی آبی» در ایران هشدار می‌دهند و هر نوع پروژه انتقال آب که با شرایط اقلیمی منطقه سازگار نباشد را درمانی موقتی خواندند.

کاوه مدنی، رئیس موسسه آب و محیط زیست و سلامت دانشگاه سازمان ملل متحد، ۲۰ سال پیش تحقیقی درباره این منطقه داشته و می‌گوید که آن زمان «نتایج مدلسازی» او نشان می‌داد که انتقال آب به زاینده‌رود «این حوضه آبریز را تشنه‌تر می‌کند» چون عملاً آب بیشتر عامل توسعه بیشتر در منطقه می‌شود اما منطقه به طور طبیعی «بضاعت آبی محدود دارد.

نیک آهنگ کوثر، خبرنگار حوضه آب هم می‌گوید که به جای مدیریت آب سازگار با شرایط اقلیمی، به آب بیشتر از حوضه آب کارون اتکا کردند و حالا اتفاقی که افتاده «گسترش بحران» است:

«الان حوضه کارون، زاینده‌رود و حوضه سیاه کوه که یزد در آن قرار دارد، همه دچار بحران شدند.



چسب زخمی از نوع انتقال آب

کاوه مدنی

نسخه اولیه مدل دینامیک سامانه آبی-اجتماعی #زاینده_رود در سال ۱۳۸۴ طراحی و پیاده‌سازی شد. نتایج پیش‌نمایی این مدل تحت سناریوهای توسعه بهت‌آور و حاوی این هشدار بود که اجرای طرح‌های انتقال آب در حوضه زاینده رود، مشکل کمبود آب را بدتر می‌کند.

این مدل در سال‌های بعد با همکاری پژوهشگران ایرانی بیشتر توسعه پیدا کرد تا بتواند جزئیات دقیق‌تری از رفتارهای آب‌بران حوضه را شبیه‌سازی کند اما نتایج کلی تغییری نکرد. نتایج جدید با تایید نتایج قبلی بر این نکته مهم صحنه گذاشتند که هر چند انتقال آب می‌تواند در کوتاه مدت مشکل کمبود آب را حل کند اما در دراز مدت با تقویت توهم فراوانی آب عامل توسعه بیشتر و تشنه‌تر شدن حوضه می‌شود.

آن روزها دغدغه ما تضييع حقوق تالاب و نرسیدن آب به تالاب گاوخونی بود اما امروز نه تنها گاوخونی خشک و فراموش شده که هم مردم اصفهان و یزد و هم مردم چهارمحال و بختیاری و خوزستان از ورشکستگی آبی رنج می‌برند.

اما در همچنان بر یک پاشنه می‌چرخد و بزرگان آب حتی پس از مشاهده به حقیقت پیوستن آن پیش‌نمایی ۲۰ سال پیش، کماکان به دنبال اجرای طرح‌های عمرانی عظیم‌تر و انتقال آب بیشتر به این حوضه‌اند تا بدون تلاش برای درمان عفونت، با چسب زخمی دیگر، نشانه بیماری را برای مدتی پنهان کنند.

برگرفته از سایت امتداد



کاوه مدنی، دانشمندی است که شهریور ۱۳۹۶ به دعوت دولت حسن روحانی به ایران رفت و به عنوان معاون سازمان حفاظت محیط زیست مشغول به کار شد. اما چندی بعد در پی دستگیری فعالان محیط زیست از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پس از بازداشت، بازجویی‌های متعدد و فشار نهادهای امنیتی تصمیم به استعفا گرفت و ایران را ترک کرد.

عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست وقت اعلام کرد که این استعفا را «با تأثر و اندوه فراوان» به دلیل «برخی تنگ نظری‌های موجود در کشور ناچاراً» پذیرفته است.

آقای مدنی می‌گوید که زمانی که در ایران بوده است بارها تأکید داشته که حفظ محیط زیست باید از اهداف توسعه باشد. به دلیل قطع آب و مختل شدن زندگی مردم، مسئولان در استان یزد دو روز شنبه و یکشنبه ۱۶ و ۱۷ فروردین را تعطیل کردند.

این تعطیلی که در اولین روزهای کاری پس از تعطیلات طولانی نوروزی است، واکنش‌های زیادی داشته است.

بهرام نادی، استاد دانشگاه در نجف‌آباد اصفهان که بارها درباره بی‌آبی در اصفهان و مساله فرونشست زمین در این شهر هشدار داده است،

در واکنش به این تعطیلی در پستی در اینستاگرام خود به فهرستی از تخریب‌های ناشی از خشکسالی در اصفهان اشاره کرد و نوشت:

«با توجه به تصمیم درست برای دو روز تعطیلی یزد به سبب تخریب ایستگاه پمپ انتقال آب توصیه می‌شود برای هر یک از موارد زیر یک روز تعطیلی در نظر گرفته شود - خشکی تالاب گاوخونی - خشکی زاینده رود - خشکی مادی‌ها - تهی شدن سفره‌های آب زیر زمینی - تخریب دشت‌ها ناشی از فرونشست - تخریب منازل ناشی از فرونشست - تخریب مساجد ناشی از فرونشست - خشکی بیش از چهار صد کیلومتر قنات».

بقیه مطلب در: بی بی سی

<https://www.bbc.com/persian/articles/cj68zr3ey0>

WO



باید مهمترین منطقه مواصلاتی جهان گردد و گذرگاه انتقال انرژی و کالا باشد ، اقتصاد بر محور ترانزیت و گردشگری نه نیاز چندانی به آب دارد و نه آلودگی محیط زیستی دارد و نه تخریب میراث فرهنگی و منابع طبیعی دارد. توسعه ایران باید بر سه محور : /ترانزیت /گردشگری /نفت و گاز باشد.

کاشی و سرامیک و فولاد و... و کشاورزی در حد معقول خوب است اما در کل به درد توسعه ایران نمی خورد و... توسعه ترانزیت و گردشگری و نفت و گاز هم در گرو تجدید نظر کلی در سیاست خارجی ایران است ، تا سیاست خارجی ایران تغییر نکند ، توسعه پایداری در کار نخواهد بود و تنش آبی بیشتر خواهد شد و در نتیجه بحران های قومی.

در واقع به این نتیجه می رسیم که حرف روحانی درباره این که تا تحریم ها رفع نشود مشکل آب خوردن هم حل نمی شود با همه سادگی و پیش پا افتادگی ظاهری در معنا بسیار درست و سنجیده بود

برگرفته از سایت امتداد

**بحران آب و تقابل معیشت و تشنگی /
سیاست گذاری های اشتباه، به تنش میان
استان ها منجر شده است**

سارا اسلامی



تنش آبی میان اصفهان و یزد ، ثمره شوم توسعه غیر پایدار

مجدعلی بهمنی قاجار

بحران آبی و زیست محیطی در اصفهان ، فرو نشست رو به تزاید در این شهر و اعتراض خشمگینانه مردم و کشاورزان اصفهان و اقدام غیر قابل توجیه در قطع خط لوله انتقال آب اصفهان به یزد و عطش و تشنگی در یزد همگی ناشی از سیاست توسعه غیر پایدار است .

البته تخریب خط لوله انتقال آب به یزد با هیچ توجیهی پذیرفتنی نیست، از نجابت مردم یزد نباید سو استفاده شود ، این که سیاست های آبی اشتباه بوده و زاینده رود باید زنده و پرآب باشد یک چیز است و این که خط لوله را قطع کنی به اموال عمومی آسیب برسانی و هم میهن خود را در تشنگی بگذاری یک چیز دیگر ، عطش و تشنگی مردم یزد قابل تحمل نیست یزدی ها نباید احساس تنهایی بکنند یزد تنها نیست و البته سیاست آبی موجود باید با تدبیر و مدیریت، تغییر کرده و زاینده رود احیا شود و حقایق تاریخی اصفهانی ها رعایت گردد.

اشتباه بودن سیاست آبی و لزوم زنده شدن زاینده رود محرز است ، اما همیشه بیاید و لوله انتقال آب را قطع کنید ، اعتراض و ضرورت بازنگری در این سیاست ها درست است اما تخریب اموال عمومی و از آن مهم تر تشنه نگه داشتن هم میهن و قطع آب بر رویش درست نیست ، باید صنایع پر مصرف در یزد تعطیل شوند و آب به اندازه کافی در اصفهان بماند ، اما آب شرب یزدی ها نباید در معرض خطر قرار بگیرد. در حقیقت نه اصفهانی ها مقصر هستند و نه یزدی ها.

سیاست توسعه سازه ای و غیر پایدار مهمترین مسبب وضع موجود است ، تولید زیاد اشتباه است، زیاده روی در صنعت و کشاورزی اشتباه است، این صنایع پر مصرف و کشاورزی و باغداری با هدر رفت آب شدید باید محدود گردد، نیاز به توسعه پایدار داریم.

توسعه پایدار در گرو اعاده وضعیت طبیعی ترانزیتی ایران و احیا نقش تاریخی و موقعیت جغرافیایی ذاتی ایران در جایگاه پیونده دهنده شرق و غرب است ، ایران



کیفیت آب استان خود گلابه دارند و معتقدند تخریب خط لوله انتقال که در گذشته نیز رخ داده است، شرایط را برای مردم یزد سخت می‌کند.

مسئولان این استان نیز مدعی هستند که پای صنعت و کشاورزی در میان نیست و حجم آبی که به یزد منتقل می‌شود، تنها به مصرف شرب و بهداشت اختصاص می‌یابد. به گفته آنها، در پروژه انتقال آبی که از سال ۱۳۶۸ کلید خورده، سهم صنعت نیز پیش‌بینی شده است اما در عمل به دلیل نیاز یزد به آب آشامیدنی، این بخش اجرایی نمی‌شود.

در این میان، کارشناسان حوزه آب و محیط زیست، سال‌هاست که تاکید می‌کنند طرح‌های هزینه‌بر انتقال آب، راه‌حل مناسبی برای حل تنش‌های آبی کشور نیست. به گفته آنها سیاستگذاری‌های اشتباه مدیریتی، علاوه بر تأثیرات منفی محیط زیستی، به اختلافات قومی و استانی نیز منجر شده است.

محسن موسوی، فعال و کارشناس حوزه آب و رضا ساکی، کنشگر محیط زیست در این مورد با **تجارت نیوز** گفت‌وگو کرده‌اند.

۷۰ درصد جمعیت و ۱۰ درصد آب‌های تجدیدپذیر در فلات مرکزی جای دارند

محسن موسوی، فعال آب و محیط زیست در گفت‌وگو با **تجارت نیوز** توضیح داده است که فلات مرکزی یک حوضه آبریز مستقل از میان شش حوضه موجود در کل کشور محسوب می‌شود که شهرهای بزرگی چون تهران، شیراز، اصفهان، یزد، مشهد، سمنان، قم و همدان را در خود جای داده است.

به گفته او، بیش از ۷۰ درصد جمعیت و بخش قابل توجهی از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی، در فلات مرکزی ایران بارگذاری شده‌اند؛ در حالی که این منطقه تنها ۱۰ درصد از آب‌های تجدیدپذیر کشور را در خود جای داده است.

موسوی، پس از اشاره به این آمارها توضیح می‌دهد: «منابع آبی زیرزمینی در فلات مرکزی، در نیم قرن اخیر، به شدت کاهش یافته است؛ این وضعیت، هم شامل

فلات مرکزی ایران، منطقه‌ای است با بارگذاری جمعیتی و صنعتی وسیع و منابع آبی محدود. چنین شرایطی بحران کمبود آب را در بخش‌های گسترده‌ای از این محدوده رقم زده است؛ وضعیتی که در قالب تنش آبی میان دو استان اصفهان و یزد در نوروز ۱۴۰۴ نمود یافت. کارشناسان در گفت‌وگو با «تجارت نیوز» تاکید کرده‌اند که راه‌حل بحران آبی در فلات مرکزی انتقال آب نیست و باید مراقب بود که این موضوع به نفرت میان مردم استان‌های همجوار دامن نزن.

به گزارش **تجارت نیوز**، بحران آب در فلات مرکزی ایران، بار دیگر تنش‌زا شد؛ روز شنبه ۱۱ فروردین، زمانی که تعطیلات نوروز ۱۴۰۴، از میانه گذشته بود، کشاورزان شرق اصفهان خسته از محقق نشدن وعده‌ها در مورد جاری شدن آب در زاینده‌رود و تخصیص حقاچه زمین‌های خود، تاسیسات انتقال آب به یزد را تخریب کردند.

این اقدام، یک هفته قطع یا افت شدید فشار آب را در مناطقی از استان یزد در پی داشته و شرایط سختی را برای شهروندان رقم زده است؛ به گونه‌ای که مردم ناچار به به تشکیل صف‌هایی برای دریافت آب از تانکر شدند و مسئولان نیز، این استان را برای امروز و فردا تعطیل کرده‌اند.

تقابل معیشت و تشنگی؛ نتیجه سیاست‌گذاری اشتباه

در این میان، یک سو حرف از معیشت است و آن سو سخن از تشنگی. کشاورزان شرق اصفهان، سال‌هاست که به تخصیص نیافتن حقاچه زمین‌های خود اعتراض دارند؛ موضوعی که به گفته آنها گذران زندگی را برای مردم منطقه سخت کرده و به بیکاری و مهاجرت گسترده منجر شده است.

کشاورزان منطقه ورزنه بارها، تجمعانی را نیز در این زمینه برگزار کرده‌اند که گاه به خشونت نیز کشیده شده است. در این میان، آنها مدعی حق تاریخی خود از حقاچه زاینده‌رود هستند و می‌گویند سهم آنها، صرف صنعت و کشاورزی در استان یزد می‌شود.

در مقابل، شهروندان استان یزد برای آب شرب خود به آب انتقالی از اصفهان وابسته شده‌اند. آنها از کمیت و



اساس سند امنیت غذایی، این نوع زراعت باید برای صرفه‌جویی در مصرف آب کشور، افزایش یابد».

بحران آب، نباید باعث شود مردم در برابر مردم بایستند

بحران آب در برخی مناطق کشور، به اختلاف میان مردم استان‌های مختلف از جمله، اصفهان، یزد، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد منجر شده. این در حالی است که رضا ساکی، کنشگر محیط زیست در گفت‌وگو با **تجارت‌نیوز**، تاکید می‌کند تنش‌های آبی، نباید باعث شود مردم در برابر مردم بایستند.

او توضیح می‌دهد: «اکنون شرایط به گونه‌ای است که گویی استان‌های مختلف، کشورهای جداگانه‌ای هستند که با یکدیگر تنش مرزی دارند. خردمندان هر استان باید این وضعیت را مدیریت کنند».

ساکی، تاکید می‌کند: «آنچه اکنون کمابیش مشخص شده این است که طرح‌های انتقال آب، پروژه‌های اشتباهی بوده‌اند و به تنش‌های اجتماعی نیز منجر شده‌اند. از امروز به بعد، مهم این است که نباید اجازه داد، بین مردم استان‌های مختلف اختلاف و تفرق بیشتری ایجاد شود».

به گفته او، تجربه نشان داده است که برخی جریان‌های رسانه‌ای تلاش می‌کنند در آتش اختلاف‌ها بدمند اما افراد و نخبگان تاثیرگذار و شخصیت‌های سیاسی باید هیجانات را کاهش دهند

حل بحران آب زمان‌بر است و به مطالعات کارشناسی نیاز دارد

کنشگر محیط زیست تاکید می‌کند: «نکته‌ای که هم مسئولان، هم اهالی رسانه و فعالان اجتماعی و هم مردم استان‌های درگیر با بحران آب باید به آن توجه داشته باشند این است که موضوع تنش آبی، چالش پیچیده‌ای است که حل آن به زمان و مطالعات کارشناسی نیاز دارد».

ساکی می‌افزاید: «چنین چالشی نباید به مسائل و تنش‌های بزرگ اجتماعی منجر شود؛ چرا که همه ما

آب‌های تجدیدپذیر و هم شامل آب‌های تجدیدناپذیر و اصطلاحاً فسیلی می‌شود».

چالش «شهرهای پرجمعیت» و «مهاجرت»، به بحران آب در فلات مرکزی دامن می‌زند

این کارشناس منابع آبی در عین حال می‌افزاید: «یکی از ویژگی‌های اصلی فلات مرکزی ایران، میزبانی از چندین شهر بزرگ و پرجمعیت است که برخی از آنها صنایع متعدد آب‌بر و کم‌آبر را در خود جای داده‌اند».

موسوی ادامه می‌دهد: «مساله دیگر در این میان، مهاجرت است. کلان‌شهرها و شهرهای بزرگی که در فلات مرکزی واقع شده‌اند، از امکانات و زیرساخت‌های متعددی برخوردار هستند؛ در نتیجه به مقصد جذابی برای نقل مکان برخی از اقشار جامعه تبدیل شده‌اند. برای مثال، سالانه ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت شهر تهران اضافه می‌شود».

او می‌گوید: «دو چالش شهرهای پرجمعیت و مهاجرت، به بحران آب در فلات مرکزی دامن زده؛ چرا که آنها همین امروز نیز با کاهش کمیت و کیفیت منابع آبی مواجه هستند و ظرفیت بارگذاری بیشتر جمعیتی و صنعتی را ندارند».

«انتقال جمعیت» و «گسترش کشاورزی گلخانه‌ای»، راه‌حل وضعیت موجود است

موسوی با اشاره به اینکه برای حل بحران آب در فلات مرکزی ایران، دیگر نمی‌توان به راه‌هایی چون انتقال آب یا سدسازی متوسل شد، جابه‌جایی جمعیت به سمت سواحل جنوبی کشور و گسترش کشاورزی گلخانه‌ای را راه‌حل وضعیت موجود می‌داند.

او توضیح می‌دهد: «برنامه هفتم توسعه مقرر کرده است که ۸ درصد جمعیت ایران باید تا پایان مهلت اجرای برنامه، به سمت سواحل جنوبی سوق داده شوند. این موضوع سیاست درستی است که باید زیرساخت‌های آن تامین شود تا بارگذاری جمعیت در فلات مرکزی کاهش یابد»

این کارشناس منابع آبی می‌گوید: «گسترش کشاورزی گلخانه‌ای نیز در این میان، اهمیت زیادی دارد و بر



در سال ۲۰۲۵، این روز با سال بین‌المللی حفاظت از یخچال‌ها که در ۲۱ ژانویه توسط یونسکو و سازمان هواشناسی جهانی (WMO) انتخاب شد، و همچنین با اولین روز جهانی یخچال‌ها (۲۱ مارس) که توسط تاجیکستان پیشنهاد و توسط سازمان ملل پذیرفته شده، همزمان است. هر دو رویداد بر لزوم کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و اتخاذ استراتژی‌های محلی سازگاری برای حفظ این ذخایر آبی تأکید دارند. گزارش "کوه‌ها و یخچال‌ها: مخازن آب" (گزارش توسعه جهانی آب ۲۰۲۵) گزارش جامعی منتشر کرد از تحلیل نقش یخچال‌های طبیعی و راه‌حل‌های پایدار حفاظت از آن.

ایتالیا گزارشی منتشر کرد در مورد وضعیت یخچال‌های طبیعی آلپ، داده‌ها وضعیت بحرانی را نشان می‌دهند: طی ۶۰ سال گذشته، یخچال‌های آلپ ۳۰٪ کاهش یافته‌اند و در سال ۲۰۲۴، معادل آب برف (SWE) در سطح ملی ۵۸٪ کسری داشته است، با وجود سالی پر باران با ۳۱۹ میلیارد متر مکعب بارندگی (۱۰٪ بالاتر از میانگین ۲۰۲۰-۱۹۹۱).

ابتکارات جهانی و محلی مانند پروژه "Reson-Ice" (شرکت Maddalena S.p.A.) یا "Ice Stupa" در هند، علم، فناوری و هنر را برای آگاهی‌بخشی و ارائه راه‌حل‌ها ترکیب کرده‌اند، در حالی که شرکت‌هایی مانند Iren استراتژی‌های چرخه‌ای و باز استفاده چند باره از پسابها را برای کاهش هدررفت آب ترویج می‌دهند. این روز بر هدف ششم توسعه پایدار (آب برای همه تا سال ۲۰۳۰) تأکید دارد و نشان می‌دهد که هنوز ۲.۲ میلیارد نفر به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. حفاظت از یخچال‌ها به عنوان یک "استراتژی بقا" برای سیاره مطرح است و نیازمند همکاری بین‌المللی و نوآوری‌های فناورانه مانند پایش ماهواره‌ای e-GEOS یا سیستم‌های GIS شرکت EBW است.

روز جهانی آب ۲۰۲۵ فراخوانی برای اقدام به منظور حفاظت از یخچال‌ها، به عنوان منبعی حیاتی است که در معرض تهدید قرار دارد، است و آگاهی، علم و تعهد جمعی را برای آینده‌ای پایدار در زمینه آب مطالبه و ترکیب می‌کند.

صرف نظر از اینکه در چه استانی زندگی می‌کنیم، ایرانی و ساکن یک کشور هستیم».

افزایش ۴۵ درصدی اختلافات قومی بر اثر طرح‌های انتقال آب

پیش از این نیز، مجید درویش، کنشگر محیط زیست، با استناد به پژوهش‌های دانشگاهی به **تجارت نیوز** گفته بود که اجرای طرح‌های انتقال آب، اختلاف و تنش میان اقوام ایران را در فلات مرکزی کشور، تا ۴۵ درصد افزایش داده‌اند.

او اجرای سند ملی امنیت غذایی و کاهش مصرف آب در حوزه کشاورزی، خودداری از ایجاد صنایع آب‌بر جدید در فلات مرکزی کشور و بازچرخانی آب را راه‌حل‌های مقابله با بحران آب در ایران دانسته بود.

بنا بر این گزارش در حالی که کارشناسان بر اثرات مخرب طرح‌های شیرین‌سازی و انتقال آب و همچنین سدسازی‌های بی‌رویه، هم از نظر محیط زیستی و هم اجتماعی تأکید دارند، برخی مقامات ملی و استانی هنوز هم به دنبال اجرای چنین پروژه‌هایی هستند. به گونه‌ای که برخی از کنشگران و کارشناسان محیط زیست گلایه دارند که اینگونه طرح‌ها، معمولاً راحت‌تر از پروژه‌های موثرتر آبخیزداری و آبخوانداری، بودجه دریافت می‌کنند.

تجارت نیوز

روز جهانی آب و یخچال‌های طبیعی

اعظم بهرامی

یخچال‌ها که به عنوان "برج‌های آب جهان" شناخته می‌شوند، برای حدود ۲ میلیارد نفر حیاتی هستند و آب شیرین برای مصرف، کشاورزی و تولید انرژی فراهم می‌کنند، همچنین چرخه هیدرولوژیکی و اکوسیستم‌ها را تنظیم می‌نمایند. با این حال، عقب‌نشینی آنها با کاهش کمیت و کیفیت آن‌ها باعث سیل، خشکسالی، رانش زمین و بالا آمدن سطح دریا شده و تأثیرات ویرانگری در مقیاس جهانی به همراه دارد.



یخچالهای رشته کوه های زاگرس

کوه‌های زاگرس که حدود ۱۶۰۰ کیلومتر از شمال‌غرب به جنوب‌شرق ایران، امتداد دارند، رشته‌کوهی عظیم با قله‌هایی هستند که از ۴۰۰۰ متر فراتر می‌روند، مانند کوه دنا (۴۴۰۹ متر) و زردکوه (۴۲۲۱ متر). با توجه به ارتفاع و آب‌وهوای قاره‌ای منطقه که زمستان‌های سرد دارد، ممکن است در بخش‌های مرتفع‌تر یخ فصلی، به‌ویژه به شکل برفی که در ماه‌های سرد انباشته و فشرده می‌شود، تشکیل شود. با این حال، برخلاف برخی دیگر از رشته‌کوه‌های ایران مانند البرز که قله دماوند میزبان یخچال‌های طبیعی است، یخچال‌های دائمی کلاسیک (مانند یخچال‌های آلپی) در زاگرس گزارش نشده‌اند.

با این حال، پدیده جالبی در زاگرس وجود دارد که به "یخچال‌های نمکی" معروف است. در بخش جنوبی این رشته‌کوه، به‌ویژه در جنوب‌غرب ایران، سازندهای زمین‌شناسی منحصربه‌فردی به نام گنبد‌های نمکی وجود دارند که به سطح زمین می‌رسند و به دلیل فشار و حرکت تکتونیکی مانند یخچال‌ها جریان می‌یابند. این "یخچال‌ها" از یخ آب ساخته نشده‌اند، بلکه از نمک هستند و می‌توانند تا چندین کیلومتر (برخی تا ۱۰-۵ کیلومتر) امتداد یابند. یک نمونه معروف گنبد نمکی جاشک (کوه نمک) است که به خاطر شگفت‌انگیزی‌اش شناخته شده و به دلیل رفتار مشابه یخچال‌های سنتی، با "حوضه انباشت" که توسط گنبد نمکی و منطقه فرسایش ناشی از انحلال نمک در محیط‌های خشک تشکیل شده، و نمونه‌ای منحصر به فرد است.

درمورد اثر تغییر اقلیم بر رشته کوه های زاگرس براساس گزارشهای محدود موجود پیش بینی میشود:

اگر انتشار گازهای گلخانه‌ای کاهش نیابد، تا سال ۲۰۵۰، کوه‌های زاگرس ممکن است با کاهش ۳۰-۲۰ درصدی بارندگی‌ها، افزایش ۴-۵ درجه سانتی‌گرادی میانگین دمای تابستان‌ها و از دست دادن قابل‌توجه اکوسیستم‌های کوهستانی مواجه شود. این موضوع بحران آب در ایران را که هم‌اکنون با خشک شدن دریاچه‌هایی مانند ارومیه و بختگان و تغییر رژیم آبی

تالاب‌های بسیاری در زاگرس مشهود است، تشدید خواهد کرد و امنیت غذایی و آبی میلیون‌ها نفر در دشت‌ها و کوهپایه های مجاور را به خطر خواهد انداخت.

سایت تلگرام اعظم بهرامی

انرژی هسته ای همچنان در حال توسعه در کشورها

منبع: Global Energy Monitor



جهت تماس با بولتن محیط زیست

bulletinenviro@gmail.com



رونمایی از پلیمری شفاف، سبک و «کاملاً تجزیه پذیر» برای جایگزینی پلاستیک



گروهی از پژوهشگران، در نشست بهار انجمن شیمی آمریکا در شهر سن دیگو، از کشفی تازه پرده برداشتند؛ پلیمری شفاف، سبک و کاملاً تجزیه پذیر که می تواند جایگزینی واقعی برای پلاستیک باشد.

این ماده از منابع طبیعی ساخته شده است؛ ترکیباتی برگرفته از نشاسته و ضایعات گیاهی. آنچه این ماده را خاص می کند، نه فقط ترکیباتش بلکه شیوه چیدمان دقیق مواد داخل آن است؛ شبکه ای منظم از الیاف بسیار ریز که مانند تار و پود در هم تنیده شده اند، ساختاری الهام گرفته از چوب و صدف که به این ماده شفافیت، استحکام و قابلیت تجزیه در طبیعت را می دهد.

در آزمایش ها، این ماده در خاک مرطوب یا محیط طبیعی طی چند هفته یا چند ماه به طور کامل تجزیه شده است بدون آن که ردی از خود بر جا بگذارد.

محققان می گویند ماده ی جدید نه تنها سالم تر و ایمن تر بلکه از نظر اقتصادی هم قابل رقابت با پلاستیک های نفت پایه خواهد بود، چرا که می توان آن را با هزینه ای پایین و از منابع تجدید پذیر تولید کرد

برگرفته از رادیو فردا

اخبار محیط زیست جهان

پروژه نظارت بر کیفیت هوا در خارج از کشور آمریکا متوقف شد



به گزارش NBC NEWS، وزارت امور خارجه اعلام کرد که جمع آوری داده های مربوط به آلودگی هوا در بیش از ۶۰ سفارت و کنسولگری ایالات متحده در سراسر جهان از روز سه شنبه به دلیل «محدودیت های بودجه» به حالت تعلیق درآمده است.

سفارت ها و کنسولگری های ایالات متحده نظارت بر کیفیت هوا در خارج از کشور را متوقف کرده اند و به این ترتیب، برنامه ای که بیش از یک دهه اطلاعات حیاتی سلامت عمومی را فراهم می کرد، پایان یافته است.

یک مطالعه در سال ۲۰۲۲ نشان داد که نظارت بر کیفیت هوا توسط سفارت های ایالات متحده به طور قابل توجهی میزان آلاینده ها را در شهرهای میزبان کاهش داده و آگاهی محلی از مسائل زیست محیطی را افزایش داده است.

این پروژه کمک فراوانی به افشاگری داده های دستکاری شده توسط کشور چین و شفافیت و بهبود آلودگی هوا در این کشور کرد.

کانال تلگرامی تغییر اقلیم و آلودگی هوا



و تأثیری است که توربین نوآورانه Proteus AR3000 می‌تواند در کاهش آلاینده‌ها و تأمین انرژی پایدار داشته باشد».

چه مقدار انرژی از این نیروگاه جزر و مدی تولید خواهد شد؟

به گفته شرکت NH، جریان دریایی Raz Blanchard یکی از قوی‌ترین جریان‌های جزر و مدی در دنیاست و می‌تواند ۵ تا ۶ گیگاوات ظرفیت تولید داشته باشد که برابر با تولید ۱۵ تا ۱۸ تراوات ساعت انرژی است؛ یعنی تأمین برق برای ۸ میلیون نفر.

توربین‌های زیرآبی این پروژه در شهر بندری چربورگ در حال ساخت هستند و هر کدام ۲۴ متر قطر و ۳ مگاوات ظرفیت خواهند داشت. این چهار توربین در مجموع ۱۲ مگاوات برق تولید خواهند کرد که معادل ۳۴ گیگاوات ساعت در سال است؛ یعنی انرژی کافی برای ۱۵,۰۰۰ خانوار.

مزایای اقتصادی برای منطقه

علاوه بر تأمین انرژی پایدار، این پروژه برای ساکنان محلی فرصت‌های شغلی ایجاد خواهد کرد. ۸۰ درصد از فرآیند ساخت در فرانسه انجام می‌شود و انتظار می‌رود حدود ۴۰۰ شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند. باقی پروژه نیز با مشارکت سایر کشورهای اروپایی اجرا خواهد شد تا استقلال انرژی در منطقه تقویت شود.

گوتیه می‌گوید که کمک مالی ۳۱.۳ میلیون یورویی اتحادیه اروپا به شرکت امکان می‌دهد گام‌های مهمی برای عملی کردن این پروژه بردارد. او در ادامه می‌افزاید: «ما مشتاق همکاری با شرکای خود هستیم تا پروژه NH1 را به یک نمونه موفق تبدیل کنیم و به آینده‌ای پایدارتر در حوزه انرژی کمک کنیم».

صندوق نوآوری اتحادیه اروپا می‌گوید در پروژه‌های آینده ممکن است سالانه ۸۵ توربین نصب شود، که این موضوع اشتغال‌زایی بیشتری ایجاد کرده و اقتصاد آبی فرانسه را تقویت خواهد کرد.

توربین های زیر آب در فرانسه



شهره صدری - یکی از اولین پروژه های آزمایشی انرژی جزر و مدی در مقیاس تجاری فرانسه موسوم به NH1، قرار است انرژی پاک را برای هزاران نفر از مردم محلی تأمین کند.

به گزارش یورونیوز، یک نیروگاه متکی به جزر و مد دریا، که از قدرتمندترین توربین‌های زیرآبی جهان استفاده می‌کند، پس از دریافت بودجه اتحادیه اروپا در سواحل نورماندی در حال ساخت است.

پروژه NH1، متعلق به شرکت نورماندی هیدروکینتیک، شامل چهار توربین خواهد بود که جریان جزر و مدی Raz Blanchard (قوی‌ترین جریان جزر و مدی در اروپا) را به یک منبع انرژی تجدیدپذیر تبدیل می‌کنند.

این پروژه یکی از ده‌ها طرح کاهش آلاینده‌های کربنی است که در دور جدید کمک‌های مالی صندوق نوآوری اتحادیه اروپا، در مجموع ۴.۸ میلیارد یورو دریافت کرده‌اند. این صندوق از محل درآمدهای سیستم تجارت انتشار گازهای گلخانه‌ای تأمین می‌شود؛ سیستمی که صنایع آلاینده را ملزم می‌کند برای انتشار گازهای گلخانه‌ای خود هزینه پرداخت کنند.

کاتیا گوتیه، مدیر شرکت نورماندی هیدروکینتیک یا همان در این خصوص به یورونیوز می‌گوید: «انتخاب شدن توسط صندوق نوآوری، تأییدی بر اهمیت پروژه ما



شرکت کلوسال اعلام کرد که دو توله گرگ مخوف به نام‌های رومولوس و رموس در تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۲۴ متولد شده‌اند. این گرگ‌ها با استفاده از فناوری پیشرفته کریسپر (CRISPR) و ویرایش ژنتیکی از دی‌ان‌ای باستانی استخراج‌شده از فسیل‌هایی با قدمت ۱۱,۵۰۰ و ۷۲,۰۰۰ سال بازسازی شده‌اند. دانشمندان کلوسال ابتدا ژنوم کامل گرگ مخوف را بازسازی کردند و سپس با اعمال ۲۰ ویرایش ژنتیکی در ۱۴ جفت ژن کلیدی از ژنوم گرگ خاکستری (که به عنوان نزدیک‌ترین خویشاوند زنده گرگ مخوف شناخته می‌شود)، این گونه را احیا کردند. این تغییرات شامل ویژگی‌هایی مانند خز سفید و اندازه بزرگ‌تر است که به گفته دانشمندان، به ظاهر گرگ‌های مخوف شباهت دارد.

منبع: ENV NEWS

آیا این نیروگاه به محیط زیست دریایی آسیب می‌زند؟

توربین‌های این پروژه در عمقی حداقل ۳۸ متر در دریا نصب می‌شوند و شرکت NH تأکید کرده که این نیروگاه هیچ خطری برای کشتیرانی یا ایمنی دریایی نخواهد داشت و با حفظ احترام به اکوسیستم دریایی فعالیت خواهد کرد.

مطالعات نشان داده که در مناطق مشابه، گونه‌های دریایی و ماهی‌ها به محل پروژه بازگشته‌اند. به عنوان مثال، در پروژه MeyGen در سواحل اسکاتلند مشخص شده که پایه‌های توربین‌ها و کابل‌های متصل به آن‌ها می‌توانند به زیستگاه گونه‌های دریایی تبدیل شوند.

نقش اتحادیه اروپا در حمایت از انرژی‌های پاک

در مجموع، ۸۵ پروژه فناوری پاک در ۱۸ کشور موفق به دریافت بودجه از صندوق نوآوری اتحادیه اروپا شده‌اند. این پروژه‌ها شامل ذخیره‌سازی انرژی، حمل‌ونقل پاک و ساختمان‌های بدون آلایندگی هستند.

وُپکه هوکسترا، کمیسر اتحادیه اروپا در حوزه اقلیم و توسعه پایدار، در این باره به یورونیوز می‌گوید: «صندوق نوآوری بار دیگر نشان داد که سیستم کاهش گازهای گلخانه‌ای اتحادیه اروپا ابزاری مؤثر برای کاهش آلاینده‌ها و حمایت از پروژه‌هایی است که به ساخت اروپایی پایدار و رقابتی کمک می‌کنند».

برگرفته از envnew

احیای گرگ مخوف، ده هزار سال پس از انقراضشان

شرکت زیست‌فناوری کلوسال با یوساینسز (Colossal Biosciences) در یک پست هیجان‌انگیز در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که موفق شده است برای اولین بار پس از بیش از ۱۰,۰۰۰ سال، صدای زوزه گرگ مخوف (Dire Wolf) را دوباره به گوش جهانیان برساند.



مرام اکوسوسیالیسم

میشل لووی، ترجمه: مجد رضا جعفری

اکوسوسیالیسم دقیقاً چیست؟ اکوسوسیالیسم جریانی فکری و عملی است که در عین به کارگیری دستاوردهای اصلی مارکسیسم محتوای تولیدگرایانه آن را کنار می‌گذارد. جریانی است که فهمیده منطق بازار سرمایه‌داری و سود - و همچنین منطق اقتدارگرایی بوروکراتیک و تکنوکراتیک نظام‌های منسوخ موسوم به «دموکراسی‌های خلقی» - با الزامات حفاظت از محیط زیست ناسازگار است. آخرین ولی نه بی‌اهمیت‌ترین نکته، اکوسوسیالیسم جریانی است که در عین انتقاد به جریان غالب جنبش کارگری می‌داند که کارگران و تشکلهایشان عنصر حیاتی هر پروژه تغییر رادیکال و فراگیرند. اخلاق و مرام اکوسوسیالیستی در مخالفت رادیکال با منطق مخرب سود سرمایه‌داری و بازار فراگیر است که مارکس نظام «رشوہ‌خواری همگانی» نامید. با این تفصیل، مولفه‌های اصلی چنین مرامی چه خواهد بود؟



اول از همه، به نظر می‌رسد این مرام باید یک مرام اجتماعی باشد؛ یعنی مرامی مربوط به رفتار فردی با هدف ایجاد احساس گناه در مردم یا ترویج ریاضت‌کشی و از خودگذشتگی نیست. البته مهم است هر فرد بیاموزد به محیط زیست احترام بگذارد و در رفع اتلاف منابع بکوشد، اما مساله اصلی جای دیگری است. مساله مهم تغییر اقتصاد سرمایه‌داری بازارمحور و ساختارهای اجتماعی است و ایجاد الگوی جدیدی از تولید و توزیع مبتنی بر نیازهای اجتماعی، به‌ویژه نیاز حیاتی به زندگی در محیط زیست طبیعی صدمه‌نخورده. چنین تغییری نیازمند نه تنها افراد خیرخواه که نیروها و جنبش‌های اجتماعی، تشکلهای محیط‌زیستی و احزاب سیاسی است.

این مرام اجتماعی انسان‌گراست. تلاش برای زندگی هماهنگ با طبیعت و محافظت از گونه‌های در معرض خطر همان‌قدر دارای ارزش انسانی است که استفاده از دارو برای نابودی شکل‌هایی از حیات (مانند باکتری‌ها، ویروس‌ها و انگل‌ها) که زندگی انسانی را مورد تهاجم قرار می‌دهد. پشه آنفل، ناقل بیماری تب زرد، از «حق حیات» همسان با کودکان جهان سوم که از سوی این بیماری تهدید می‌شوند برخوردار نیست. برای حفاظت از این کودکان، ریشه‌کنی این نوع پشه در مناطق خاص و مشخص به لحاظ اخلاقی مشروع است.

بحران زیست‌محیطی، با به خطر انداختن تعادل طبیعی محیط زیست، نه تنها گیاهان و جانوران بلکه به‌طور خاص سلامتی، شرایط زیست و بقای نوع انسان را نیز با خطر مواجه می‌کند. بنابراین برای درک اولویت اخلاقی و سیاسی دفاع از تنوع زیستی و گونه‌های جانوری در معرض خطر، نیازی به انتقاد از آموزه‌های اومانستی و انسان‌محور نیست. مبارزه برای نجات محیط زیست، که الزاماً مبارزه برای تغییر در تمدن



نقطه اشتراکی با درک لیبرالی از «تساوی» ندارد. از نظر جان رالز در کتاب «لیبرالیسم سیاسی»، تساوی می‌کوشد نابرابری‌های اجتماعی را با این توصیف توجیه کند که آنها را «ملازم با مناصب و مقام‌هایی» بداند «که تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها باب آن‌ها به روی همگان گشوده است». این موضع سنتی کسانی است که از «رقابت آزاد» اجتماعی و اقتصادی دفاع می‌کنند.

اکوسوسیالیسم همچنین مرامی دموکراتیک است. تا زمانی که تصمیم‌ها و انتخاب‌های اقتصادی در دستان الیگارشسی سرمایه‌دارها، بانکدارها و تکنوکرات‌ها، سیستم‌های اقتصاد دولتی سابق که از هرگونه کنترل دموکراتیک گریزان بودند، باقی بماند ما هرگز نخواهیم توانست از چرخه اهریمنی تولیدگرایی، استثمار کارگران و تخریب محیط زیست خارج شویم. دموکراتیک‌سازی اقتصادی - که شامل اجتماعی‌سازی نیروهای تولیدی می‌شود - بدین معنی است که تصمیم‌های کلان اقتصادی درباره تولید و توزیع نباید از سوی بازار یا محافل سیاسی اتخاذ شود بلکه باید توسط خود جامعه صورت بگیرد، آن‌هم از طریق مباحثات دموکراتیک عمومی که در آن طرح‌ها و گزینه‌های مختلف باهم مقایسه و مقابله می‌شوند. این شرط لازم برای خلق یک منطق متفاوت اجتماعی-اقتصادی و رابطه‌ای جدید با طبیعت است.

و در آخر، اکوسوسیالیسم یک مرام رادیکال است به معنای ریشه‌شناختی آن - تفکری است که ریشه مشکلات را پی می‌گیرد. اقدامات ناکافی، اصلاحات جزئی، کنفرانس‌های مختلف، خرید و فروش حق آلودگی در بازار (markets in pollution rights) هیچ‌کدام راهکاری مناسب پیش نمی‌نهد. ما به تغییر رادیکال الگو و مدلی جدید از تمدن نیاز داریم، به بیان دیگر، به یک گذار انقلابی. این گذار انقلابی نه فقط روابط

ماست، ضرورتی انسان‌گرایانه است که نه فقط به این یا آن طبقه بلکه همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد.

این ضرورت به نسل‌های آینده بر می‌گردد که ما با آسیب‌های فزاینده غیرقابل‌کنترلی که به محیط زیست زده و می‌زنیم و آنها را با خطر سیاره‌ای غیرقابل سکونت مواجه می‌کنیم. ولی رهیافتی که نیاز به مرامی محیط‌زیستی را برپایه این خطر بنا گذاشت با رویدادهای مختلف به کناری نهاده شده است. و این موضوعی بسیار ضروری است که مستقیماً متوجه نسل‌های حاضر است. مردمی که در ابتدای قرن بیست و یکم زندگی می‌کنند عواقب بهت‌آور ناشی از آلودگی و تخریب جو زمین را به دست سرمایه‌داری به چشم می‌بینند. آن دسته از ما که برای بیست یا سی سال آینده زندگی کنیم می‌توانیم با فاجعه‌های زیست‌محیطی تمام‌عیار مواجه شویم.

همچنین، مرام اکوسوسیالیسم مرامی برابری‌طلبانه است. شیوه فعلی تولید و مصرف در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری مبتنی است بر منطق انباشت نامحدود (سرمایه، سود و کالا)، اتلاف منابع، مصرف بیش از حد و تخریب شتابنده محیط زیست. گسترش این شیوه به دیگر نقاط زمین، بحران‌های بزرگی به وجود خواهد آورد. این نظام لزوماً مبتنی است بر حفظ و تعمیق نابرابری فاحش بین شمال و جنوب جهان. طرح و برنامه اکوسوسیالیستی به بازتوزیع جهانی ثروت و توسعه تعاونی منابع تحت الگوی جدیدی از تولید نظر دارد.

الزامات اخلاقی و اجتماعی برای برآوردن نیازهای اجتماعی معنایی جز رویکرد مبتنی بر عدالت اجتماعی، برابری (و نه یکسان‌سازی) و همبستگی ندارد. در تحلیل نهایی، این به معنای مالکیت جمعی بر وسایل تولید و بازتوزیع تولیدات و خدمات است طبق اصل «به هرکس به اندازه نیازش». این مفهوم هیچ



نمونه‌های بیشتری است که می‌توان برشمرد. مطالباتی چنین و موارد مشابه آن را می‌توان در جنبش بین‌المللی علیه نئولیبرالیسم و جهانی‌سازی سرمایه‌داری دید که در سال ۱۹۹۶ در گردهمایی موسوم به «مواجهه میان‌کهکشانی برای بشریت علیه نئولیبرالیسم» از سوی زاپاتیست‌ها در رشته‌کوه‌های چیپاس در جنوب مکزیک سازماندهی و اعلام شد. این جنبش در شهرهای سیاتل، پراگ، نیس، واشنگتن، دی‌سی، کبک و جنوا قدرت خود را به نمایش گذاشت. جنبش مذکور نه تنها منتقد بی‌عدالتی عظیم اجتماعی است که نظام سرمایه‌داری تولید می‌کند، بلکه همان‌طور که در گردهمایی اجتماعی پورتو الگره (در ژانویه ۲۰۰۱) نشان داد قادر به ارائه و پیشبرد جایگزین عینی نظام موجود است.

روز جهانی زباله (پسماند) صفر

سازمان ملل 30 مارس را روز جهانی زباله صفر اعلام کرده است. هدف این روز تقویت مدیریت پسماند در سطح جهانی و ترویج مصرف پایدار و الگوهای تولید در مقیاس محلی، ملی و بین‌المللی است.



اجتماعی تولید -مالکیت خصوصی و تقسیم کار- بلکه خود نیروهای تولیدی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. فهم جزمی از مارکسیسم با ارجاع به برخی گزاره‌های مارکس تغییر را صرفاً ناشی از نابودی روابط اجتماعی سرمایه‌داری می‌داند که بر سر راه توسعه آزاد نیروهای تولیدی مانع ایجاد کرده است. در تقابل با این رهیافت، ما باید درصدد واژگونی ساختار فعلی فرآیند تولید باشیم.

اگر بخواهیم گفته مشهور مارکس را راجع به دولت بعد از کمون پاریس بازنویسی کنیم باید بگوییم: مردم و کارگران صرفاً نمی‌توانند دموکراسی تولید را تصرف کنند و آن را در جهت منافع خویش به کار گیرند؛ بلکه باید آن را خرد کنند و با نوع دیگری از تولید جایگزین کنند. این یعنی دگرگونی عمیق در ساختار تکنیکی تولید و منابع انرژی متکی به آن-در وهله اول سوخت‌های فسیلی و هسته‌ای. آن نوع تکنولوژی که به محیط زیست احترام بگذارد، انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه انرژی خورشیدی در مرکز پروژه اکوسوسیالیستی قرار دارد.

رفتن به استقبال اتوپیای سوسیالیسم زیست‌محیطی و کمونیسم خورشیدی ما را باز نمی‌دارد از مبارزه‌ای فوری برای اهداف فوری و ضروری که برگرفته از همین ارزش‌ها باشد و آینده را از پیش نشان دهد: اولویت‌گذاری حمل‌ونقل عمومی در مقابل گسترش هیولاوار خودروهای شخصی و حمل‌ونقل جاده‌ای، اجتناب از دام‌چاله‌های هسته‌ای و توسعه تحقیقات علمی درباره منابع انرژی تجدیدپذیر، مطالبه عمل به مفاد پیمان‌های بین‌المللی درمورد انتشار گازهای گلخانه‌ای، و طرد طرح مضحک و حقه‌بازانه «خریدوفروش حق آلودگی در بازار» و مبارزه برای کشاورزی ارگانیک در مقابل بذر و دانه‌های گیاهی شرکت‌های چندملیتی و محصولات مهندسی ژنتیک‌شده‌شان. این‌ها تنها چند مثال از